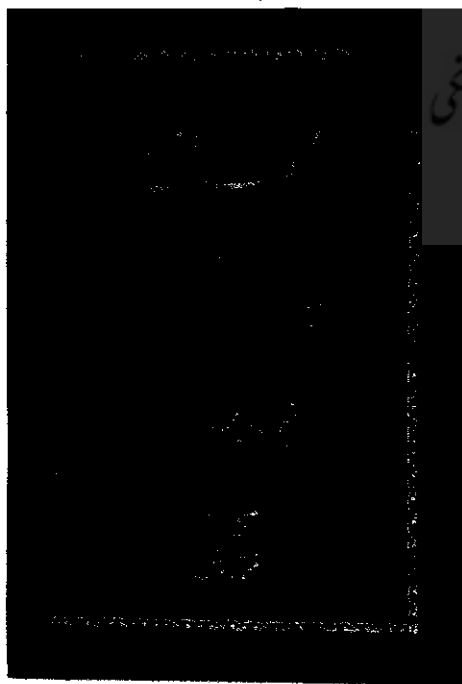




ابوسعبد سعید شرف النبی



کتابهایی که تا کنون به زبانهای مختلف درباره سرگذشت پیامبر اسلام، حضرت محمد بن عبدالله - صلی الله علیه وآله وسلم - نوشته شده است از هزار متجاوز است. در زبان فارسی نیز که پس از عربی دومین و مهمترین زبان عالم اسلام است، کتابهای متعددی در این باب وجود دارد که متأسفانه هنوز همه آنها به طبع نرسیده است. خوشبختانه در دو سه سال اخیر چند اثر مهم به زبان فارسی درباره پیغمبر (ص) به چاپ رسیده است. یکی از آنها تحقیقات مرحوم آیتی بود که تحت عنوان تاریخ پیامبر اسلام به کوشش دکتر ابوالقاسم گرجی در دانشگاه تهران به چاپ رسید. کتاب دیگر ترجمه فارسی سیره النبی ابن هشام بود که به همت دکتر اصغر مهدوی تصحیح و چاپ شد (رک. نشر دانش، سال ۲، شماره ۳). ترجمه فارسی مغازی واقدی نیز در مرکز نشر دانشگاهی چاپ شده است که به زودی منتشر خواهد شد. علاوه بر اینها، کتاب دیگری است به نام شرف النبی تصنیف ابوسعبد واعظ با ترجمه نجم الدین محمود راوندی که اخیراً منتشر شده است.

شرف النبی که در اصل به زبان عربی نوشته شده است، بیشتر درباره شمایل حضرت رسول (ص) و اجداد و اولاد و ازواج و معجزات و صفت معراج و ذکر وفات آن حضرت است. این اثر دارای پنجاه و هفت باب است که ظاهراً در اصل بیش از این بوده است. کار تصحیح ترجمه فارسی این اثر را آقای احمد طاهری عراقی ابتدا آغاز کرده است، ولیکن به دلایلی از این کار منصرف شده و آن را به عهده آقای محمد روشن گذاشته است. آقای طاهری در عین حال درصدد برآمده است تا درباره مصنف کتاب، ابوسعبد واعظ نیشابوری معروف به خرگوشی، تحقیق کند. انتظار می رفت که این تحقیق به عنوان مقدمه ای همراه با اثر مزبور به چاپ رسد؛ ولیکن زمانی نگارش آن پایان یافت که شرف النبی از چاپ خارج شده بود. آقای روشن مقدمه مزبور را که یک اثر تحقیقی و بدیع در بیان احوال و آثار ابوسعبد خرگوشی بود عیناً به نشر دانش سپرد که در اینجا ما بخشی از این اثر را چاپ می کنیم. اصل مقاله آقای طاهری دو برابر این است که چاپ شده است. بسیاری از یادداشتها و همچنین مطالب تحقیقی که فقط به کار تعداد اندکی از محققان می آید حذف شده است، ولی در عین حال سعی بر این بوده است که توالی مطالب بهم نخورد. امیدواریم در چاپهای بعدی این اثر، عین مقاله محققانه آقای طاهری در مقدمه کتاب چاپ گردد.

نشر دانش



از علمای اندک شناخته ما یکی ابوسعید عبدالملک بن ابی عثمان محمد بن ابراهیم خرگوشی نیشابوری است مشهور به ابوسعید زاهد و ابوسعید واعظ، از علمای متصوف قرن چهارم که هم ارشاد و وعظ و تذکیر می کرد و هم تدریس و تألیف. و در نیشابور آن عهد، که بعد از بغداد از مهمترین مراکز فرهنگ اسلامی بود و در مدارس و مساجد و خانقاههایش صدهاصد محدث و فقیه و ادیب و صوفی به تدریس و تألیف اشتغال داشتند، از نمایان بشمار می رفت. درباره او محدث مشهور حاکم نیشابوری گفته است: «لم أر أجمع منه علماً و زهداً و تواضعاً و ارشاداً لله».

برخلاف آنچه برخی نوشته اند، کتبه اش بنا بر ضبط منابع اولیه اخبارش و نیز اکثر نسخ خطی آثارش «ابوسعید» است نه «ابوسعید» و نسبتش به کوی «خرگوش» است که کوی بزرگ بوده است در نیشابور، و خانه و خانقاه ابوسعید در آنجا بوده است. عنوان «زاهد» که ابوسعید بدان متصف بوده است به بعضی پاریسیان (که برخی شان از متصوفه و عرفا بوده اند)، بالأخص در قرون سوم و چهارم، اطلاق می شده است.

پدرش ابو عثمان محمد نیز از زاهدان و عالمان نیشابور بوده است، و حاکم نیشابوری از ابوسعید به عبارت «الزاهدین الزاهد» یاد می کند. تاریخ تولد ابوسعید بر ما معلوم نیست، ولی نباید پیش از ۳۲۱ بوده باشد.

ابوسعید از آغاز جوانی به تحصیل علوم پرداخت و در نیشابور آن عهد، که «دارالسنة و العوالی» می خواندندش و مجمع اکابر فقها و محدثین و صوفیه بود، نزد عالمانی علم آموخت و از محدثان بسیاری سماع حدیث کرد.

ابوسعید در فقه شافعی، که مذهب متبع او بود، از تلامذه ابوالحسن محمد بن علی بن سهل ماسرجسی نیشابوری (متوفی ۶ جمادی الآخرة ۲۸۶) بود. و ابوالحسن ماسرجسی از مشاهیر فقهاء شافعیه بود و از شاگردان فقیه معروف ابواسحاق مروزی (متوفی ۳۴۰)، و سالها در «دارالسنة» نیشابور مجلس املاء داشته است.

پس از چندی ابوسعید به حلقه مصاحبت زهاد و صوفیان درآمد و طریق تزهد گزید. و در سالهای دهه ۳۷۰ به قصد حج نیشابور را ترک گفت و سالها مجاور بیت الله شد، و به عراق و شام و فلسطین و مصر نیز سفر کرد. و در همه جا از محدثان و عالمان سماع حدیث می کرد یا به اسانید خود احادیثی روایت می کرد. این سفر ابوسعید همچنان که سمعانی گفته است باید در دهه

نیشابوری

احمد طاهری عراقی

شرف النبی. تصنیف ابوسعید [سعید؟] خرگوشی. ترجمه نجم الدین محمود راوندی. تصحیح و تحشیه محمدروشن. انتشارات بابک. تهران. ۱۳۶۱. ۷۲۸ صفحه.

۳۷۰ اتفاق افتاده باشد؛ و مؤید این قول آنکه ابوسعید در سنه ۳۷۶ در مکه از ابو عمر بستی سماع حدیث کرده بوده است. و نیز در تهذیب الاسرار (ق ۱۴۷) حدیثی نقل کرده است که آن را در بغداد در مجلس املاء ابوالحسن علی بن عمر الدار قطنی شنیده بوده است. و چون وفات دار قطنی در پنجشنبه هفتم ذوالقعدة سال ۲۸۵ اتفاق افتاده است، اقامت ابوسعید در بغداد باید در سالهای قبل از ۲۸۵ بوده باشد نه بعد از آن.

ابوسعید چون به نیشابور بازگشت به ارشاد و تذکیر و تدریس و تألیف مشغول شد. برایش مجلس املاء منعقد کردند که سالها برقرار بود. و جز اینها اهتمام به خدمت خلق نمود و بناهای خیریه ای ساخت از خانقاه و بیمارستان و مدرسه. در آن بیمارستان جمعی از اصحابش را به پرستاری بیماران گماشت. در سال ۴۰۱ که در نیشابور قحط سختی افتاد و هزاران کس تلف شدند، ابوسعید، به گفته ابونصر عتبی، خدمتها کرد از تیمار داشت مریضان و نقلشان به بیمارستان و تکفین و تدفین مردگان.

مدرسه ابوسعید در همان کوی خرگوش بوده و کتابخانه ای هم داشته است. و در این مدرسه چندی حافظ ابوحازم عمر بن احمد عبدوی نیشابوری (متوفی ۴۱۷) مجلس املاء داشته است که پس از فوتش حافظ ابن منجویه (ابوبکر احمد بن علی، متوفی ۴۲۸) برجایش نشست و سالها در آنجا به تدریس پرداخت.

جامعه نیشابور قرن چهارم از شافعیه و حنفیه و گروه قلیلی از کرامیه و ظاهریه و مالکیه تشکیل می شد و عصیبت و عداوت مذهبی هم بین اصحاب مذاهب برقرار بود. ابوسعید از جماعت شافعیه بود. شافعیان گذشته از اختلاف در مذهب فقهی از نظر عقیدتی نیز، به سبب پیروی از مکتب کلامی اشعری، با احناف اختلاف داشتند و در گسترش عقاید اشعری علمای شافعیه نیشابور سهمی عظیم داشته اند. ابوسعید اهل کلام نبود ولی از عقیده مندان به مذهب اشعری بود و ابن عساکر (متوفی ۵۷۱) در تبیین کذب المقتری فیما نسب الی الامام الاشعری نام او را در زمره «اعیان مشاهیر» اتباع امام اشعری (۲۶۰-۳۲۴) آورده است. شافعیان نیشابور به خصوصیتی دیگر نیز ممتاز بودند و آن وجود تصوف و گرایشهای صوفیانه بود در میانشان، که اکثر صوفیان آن عصر مذهب شافعی داشته اند؛ ابوعبدالله بن حنبل، ابوعلی دقان، ابن نجید، ابوعبدالرحمن سلمی، ابوالقاسم قشیری، ابوسعید بن ابی الخیر و... همگی شافعی مذهب بوده اند. ابوسعید خرگوشی متعلق به این گروه اخیر یعنی شافعیه متصوف است، و تصوفش هم تصوف متشرعانه اهل صحوا است، از طراز تصوف امام قشیری که

از اتباع سنت و التزام شرع دور نمی شود. به ابوسعید اقوال صوفیانه و کراماتی هم منتسب است، و ابوالفضل محمد بن عبدالله صرام حیری نیشابوری (متوفی ۴۹۹) که صحبت ابوسعید را دریافته بوده است از آن حکایات و اقوال بسیار نقل می کرده است. و عبدالغافر فارسی به روایت از او برخی را در کتابش نقل کرده است.

وفات ابوسعید در جمادی الاولی ۴۰۷، یا آنچنانکه خطیب بغدادی از ابوصالح نیشابوری نقل کرده است در ۴۰۶، اتفاق افتاد. قاضی ابو عمر بسطامی بر او نماز کرد و در تعزیه اش مجلسها کردند، و نه تنها مسلمین که اهل ذمه هم در مرگش سوگوار شدند و جسدش را در خانقاهش در کوی خرگوش به خاک سپردند و تربتش زیارتگاه مردمان شد که بدان توسل می جستند و از آن شفا می طلبیدند.

تألیفات ابوسعید

نوشته اند که ابوسعید صاحب مؤلفاتی بسیار بوده که در میان اهل علم بلاد رواجی داشته است. ولی آنچه امروز در کتابخانه های جهان از آثار او می شناسیم بیش از سه کتاب نیست. شرف النبی، تهذیب الاسرار، البشارة والندارة، و هر سه به غربی است. جز این سه کتاب در مراجع ما آثار دیگری نیز به نام او ضبط شده است مانند کتاب الزهد، شعار الصالحین، و اللوامع که تاکنون اثری از آنها در کتابخانه ها یافت نشده است.

و اما آن سه کتاب موجود او:

۱) تهذیب الاسرار، کتابی است در تصوف که نسخی از آن موجود است و نیز برگزیده ای از آن از مؤلفی ناشناخته. عنوان کتاب را حاجی خلیفه تهذیب الاسرار فی طبقات الأخبار ضبط کرده است، ولی در نسخه برلین (ورق ۱) هر چند به خطی جدیدتر از خط کتابت نسخه) نام کتاب تهذیب الاسرار است، و نیز در برگزیده آن که در آغازش آمده است: «علفته من تهذیب الاسرار تصنیف الشیخ الامام الاجل ابی سعد عبدالملک بن ابی عثمان الواعظ النیشابوری رضی الله عنه».

ابوسعید در مقدمه کتاب می گوید که: «شیخی از صوفیان از من خواست تا کتابی کنم در مذاهب اهل تصوف و آداب و سیرشان و افعال و اقوالشان و مستند هر یک از آنها از آیتی محکمه یا سنتی مأثوره یا حکایتی از سلف. و این مقدور نیفتاد و آن شیخ از جهان درگذشت. ولی خواستش همواره در خاطر می بود و پس از دبری به تألیف آن عزم کردم. و هم بدان ایام یکی از اصحاب آن شیخ را به

خواب دیدم در هیأتی زیبا و جامه‌ای پاکیزه که به دیدار من همی آمدی. و آن رؤیا رغبت در من بیفزود و آغاز کردم به نوشتن این کتاب».

مؤلف پس از فصولی در تعریف تصوف و معرفت، به شرح هریک از مقامات و احوال و نیز عبادات و آداب و اخلاق می‌پردازد، و در هر باب جز احادیث پیامبر (صلعم) و آثار صحابه، اقوال بسیاری را از مشایخ نقل می‌کند.

تهذیب الاسرار از آثار قدیم صوفیه است و پیش از کتب سلمی (متوفی ۴۱۲) و ابونعیم (متوفی ۴۳۰) و قشیری (متوفی ۴۶۵) نوشته شده است. گرچه به سبب مأخوذ بودن پاره‌هایی از آن از کتاب الملح سراج (متوفی ۲۸۶) در ارجح آن شک کرده‌اند. با این حال مطالبی در تهذیب الاسرار هست که در الملح یافته نمی‌شود و برای مطالعه تصوف سودمند تواند بود. و می‌شاید که کتاب طبع و نشر شود، و ما امیدواریم که بدین کار توفیق یابیم.

۲) البشارة والندارة فی تعبير الرؤيا والمراقبة، کتابی است در تعبیر رؤیا و نسخی از آن در بعض کتابخانه‌های جهان محفوظ است.

پس از خطبه کتاب مقدمه‌ای است درباره رؤیای صحیحه صادقه که مبین حقایق اعمال و عواقب امور است و یکی از طرق وحی به انبیاست. و سپس چهار حدیث به اسانید مؤلف از رسول اکرم (ص) روایت شده است در باب رؤیای صالحه و اثرش (اب- ۱۳). و در پی آن نقل رؤیاهایی است از آدم و یوسف و یعقوب و موسی (۴-۱-۷ ب). و سپس بابی است در آداب صاحب رؤیا و آداب معبر (۷ ب- ۹ ب). پنجاه و هشت باب دیگر کتاب (از باب دوم تا پنجاه و نهم: ۹ ب- ۲۵۸ ب) تعبیر رؤیاهای مختلف است از به خواب دیدن خداوند و انبیا و ملائکه و صحابه و تابعین و صالحین و سور قرآن و قیامت و جهنم و جنت تا اطعمه و اشربه و البسه و جنگ و اسلحه و سلاطین و اصحاب حرف و صناعات و بازیها و بهائم و وحوش و امراض و اوجاع... و هر معنی و موضوعی که گمان رود به خواب توان دید. و این همه به حسب موضوع تقسیم بندی شده است و به هر موضوع یا چند موضوع متناسب بابی اختصاص داده شده است.

تأویل بعض رؤیاهای بر اساس احادیث و سننی از رسول الله (صلعم) است و بعضی دیگر بر پایه آثار و اخبار صحابه و تابعین و ائمه و صالحینی چون ابوبکر، عمر بن الخطاب، عبدالله بن عمر، مجاهد، جعفر الصادق و سعید بن المسیب. تعبیرات بسیاری هم هست که مبنی است بر اقوال ابن سیرین (متوفی ۱۱۰) و حکایاتی

هم از تعبیرات او نقل شده است. از معبر دیگر، ابراهیم بن محمد کرمانی، نیز تعبیراتی یافت می‌شود.

در خلال کتاب به مناسبت گاه حکایاتی نقل شده است که از آن جمله است: حکایت عدی بن ارجطه (۹۰ آ)، رؤیای هارون الرشید درباره ارتضاع در حرم (۹۰ ب)، رؤیای مروان بن الحکم (۹۵ ب)، حکایت خواب دیدن حسن بن علی عیسی بن مریم را (۱۵ ب)، حکایتی از معن بن زائده (۱۱۱ آ)، حکایت یزید بن مهلب در زندان حجاج (۱۱۱ آ)، خواب دیدن ابومسلم رسول (صلعم) را (۱۲۷ آ)، رؤیای هشام (۱۴۳)، حکایتی از علی بن عیسی (۱۴۳ ب)، قصه‌ای از کسری انوشیروان (۱۷۵ آ)، حکایتی از ابوالوفاء القاری الهروی (۱۸ ب)، حکایت سماک بن حرب (۱۳ ب)، حکایت ابن ابی الطیب الفقیر (۱۸ آ)، حکایت ابی عبدالله بن الجلاء (۱۸ آ). و در پایان کتاب (۲۵۷ آ- ۲۵۸ ب) فصلی هست در رؤیای نبی (صلعم).

البشارة والندارة یکی از متون کهن موجود درباره تعبیر رؤیاست و از این حیث شایسته توجه است. گذشته از موضوع رؤیا، بررسی کتاب خصوصاً ابوابی از آن برای مطالعات امروزی مفید تواند بود، هم به لحاظ موادی از برای تاریخ اجتماعی و کیفیت زندگی و پندارهای مردمان آن زمان؛ و هم برای مباحث لغوی، که نامهای بسیاری از خوردنیها و نوشیدنیها و پوشیدنیها و گستردنیها و بازیها و افزارها و... در ابواب مختلف آن حفظ شده است.

۳) شرف النبی [شرف المصطفی (ص)]، کتابی است در سیره رسول اکرم (صلعم) که نسخی از آن بر ما شناخته است. مؤلف در مقدمه خود ذکری از عنوان کتاب نکرده است. مؤلفان کتب تراجم و فهرس از آن به نامهای مختلفی یاد کرده‌اند چون: کتاب دلائل النبوة، شرف النبوة، شرف المصطفی، شرف النبی، و کتاب المبتدأ والمبعث. نسخه‌های موجود عربی و فارسی از سوی ناسخان به نامهای مختلف شرف المصطفی و شرف النبی ذکر شده است. در مقدمه اصل عربی، مؤلف موضوع کتاب را شرف النبی توصیف کرده است: «قال الاستاذ ابوسعید عبدالملك بن ابی عثمان الواعظ - سلمه الله وأتقاه - حدانی الی أن أجمع شرف النبی - صلی الله علیه - حبه والانس بذکره، لأن من أحب شيئاً أكثر ذكره» (ق ۴ ب). و همین احتواء کتاب بر شرفهای رسول (صلعم)، که باب شانزدهم بالاخص مختص بدان است، مبنای تسمیه کتاب به شرف النبی و شرف المصطفی شده است. به همین عنوان شرف المصطفی، حاجی خلیفه کتابی به ابن الجوزی (متوفی ۵۹۷) نسبت می‌دهد.

که محتمل است مقصود او اثر معروف ابن جوزی الوفاقی فضائل المصطفی باشد.

کتاب شرف النبی جزء کتابهای دلائل النبوة و الشمائل النبویه است از فروع علم سیره. بزخلاف کتب اصلی مغازی و سیر (مثلاً آثار ابن اسحاق و واقدی و ابن سعد) که اهتمام به ضبط وقایع تاریخ حیات رسول (صلعم) است، در کتب دلائل و شمائل بیشترین توجه به مطالبی است فرعی و غیر تاریخی. کتب دلائل النبوة در معجزات است و کتب شمایل نبوی در اوصاف خلقی و خلقی رسول (صلعم) و تفصیل در عادات زندگی او از خوراک و پوشاک و یا شمار و نام ازواج و موالی و اسبان و شمشیرها و نیزه‌های... آن حضرت.

شمایل رسول و برخی معجزاتش را هر چند به اجمال در کتب اولیه سیره و حدیث می توان یافت و بعضی از قدمای محدثین هم تألیف مفرد موجزی در این ابواب داشته اند، ولی بالأخص از قرن چهارم به بعد است که تألیف در باب شمایل و دلائل فزونی می گیرد و مؤلفات هم مفصلتر و مفصلتر می شود. احتمالاً رواج و رسوخ عقاید صوفیه از قرن چهارم به بعد، که نوع اعتقادشان در حق رسول اکرم (صلعم) با نگرش اهل حدیث و تاریخ تفاوتها داشت، از جمله عوامل افزایش توجه به دلائل و شمایل نبوی بوده است. واعظان و مذکران نیز بدین مباحث اهتمامی می نموده اند که عامه ناس را خوشتر می آمد. ولی آثار متأخرین در سیره و شمایل و دلائل از احادیث ضعیف و روایات موضوع و حکایات مجعول تهی نیست. احتمالاً از آن رو که بسیاری از مؤلفان آن کتب از متصوفان و مذکران بوده اند نه از محدثان مدقق و مورخان محقق، و در آنان روحیه اعتقادی بر ملکه انتقادی غالب بوده است.

از جمله کسانی که پیش از ابوسعید خرگوشی تألیفاتی در دلائل و شمایل داشته اند و ذکرشان در کتب تاریخ و فهرست هست و آثارشان، تا آنجا که ما اطلاع داریم، از میان رفته است عبارتند از: ابوزرعه عبیدالله بن عبدالکریم رازی (متوفی ۲۶۴)، ابوداود سجستانی (۲۵۲ - ۲۷۵) صاحب السنن، ابراهیم بن الهیثم البلدی (متوفی ۲۷۸)، ابن ابی الدنیا (۲۰۸ - ۲۸۱)، ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق الحرابی (متوفی ۲۸۵)، ثابت بن حزم السرقسطی (متوفی ۲۱۳)، ابوبکر محمد بن الحسن النقاش (متوفی ۳۵۱)، ابن الشیخ عبدالله بن محمد بن حبان (۲۷۴ - ۳۶۹)، ابوالقاسم سلیمان بن احمد الطبرانی (۲۶۰ - ۳۶۰)، ابن منده محمد بن اسحاق (متوفی ۲۹۵). به ابن قتیبه (عبدالله بن مسلم ۲۱۳ - ۲۷۶) نیز کتابی به عنوان دلائل النبوة و أعلام النبوة

نسبت داده اند که انتسابش بدو مشکوک است. و از جمله آثار قدما که باقی مانده است یکی کتاب الشمائل المحمدیه است از امام ترمذی (محمد بن عیسی. ۲۱۰ - ۲۷۹) صاحب الجامع الصحیح که شروح و حواشی بسیار بر آن نوشته اند و مکرراً هم به طبع رسیده است. و دیگر دلائل النبوة است از ابوبکر جعفر بن محمد المستفاض الفیریابی (متوفی ۳۰۱) و صفة النبی از ابوعلی محمد بن هارون الانصاری (متوفی ۳۵۳). از معاصران ابوسعید خرگوشی هم چند تنی دلائل النبوة نوشته اند، یکی محدث متصوف ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (۳۳۶ - ۴۳۰) است که دلائل النبوه اش چند بار به طبع رسیده است. و دیگر ابوالعباس جعفر بن محمد مستغفری (متوفی ۴۳۲) است، واعظی نسفی که نسخه ای خطی از کتابش باقی است. و دیگر حافظ ابوبکر احمد بن حسین بیهقی (۳۸۴ - ۴۵۸) صاحب السنن است که دلائل النبوه اش را جامعترین و معتبرترین شمرده اند.

شرف النبی ابوسعید خرگوشی در اصل گویا چندین مجلد بوده است. و آنچه امروز در دست ماست مختصری از آن است. از نسخ موجود شرف النبی فقط در پایان نسخه برلین که اقدم نسخ موجود است اشاره به «اختصار» شده است: «آخر المختصر من کتاب شرف النبی صلی الله علیه و آله الطیبین الطاهرین الاخیار». آیا این اختصار به دست خود مؤلف انجام شده است یا دیگری بر ما روشن نیست. ولی اگر به دست دیگری انجام شده باشد تاریخ اختصارش مسلماً متأخرتر از نیمه اول قرن پنجم نباید بوده باشد، به دلیل تاریخ کتابت نسخه برلین در جمادی الاولی ۴۲۷ هـ. به هر گونه، امروز اثری از اصل مفصل شرف النبی باقی نیست و نسخه های موجود همه روایت مختصر آن است و تقریباً همانند یکدیگرند، جز آنکه در نسخ مختلف کمابیشی هایی در شمار ابواب کتاب هست.

مؤلف در آغاز هر باب اسنادهای خود را ذکر می کند ولی پس از روایات نخستین هر باب، دیگر روایات همه بی ذکر سند است. در بعض روایات تاریخ سماع ذکر شده است و متأخرین آنها سال ۳۷۶ است که سال سماع اوست از ابو عمر بستی.

تاریخ تألیف کتاب بر ما روشن نیست ولی به دلیل آنکه ابومحمد عبدالله بن سعید الشنتجالی (متوفی ۴۳۶) و ابو عمر و احمد بن محمد القرطبی (متوفی ۴۳۰) به هنگام اقامتشان در مکه در دهه نود قرن چهارم اجازه روایت کتاب شرف النبی را از مؤلف آن ابوسعید خرگوشی گرفته اند، تألیف کتاب باید پیش از دهه نود انجام یافته باشد. ولی مسلماً نه پیش از سال ۳۷۶ که تاریخ سماع اوست

از ابو عمر بستنی.

- (۹) ایضاً، ۴۷، آ. ب. و نیز نك: تذكرة الاولیاء عطار، ۶۵۱.
(۱۰) الانساب ۸۶/۵، كتاب السیاق ۴۷، طبقات الاسنوی ۴۷۷/۱، العبر ۹۶/۳،
تذكرة الحفاظ ۱۰۶۶/۳، شذرات الذهب ۱۸۴/۳.
(۱۱) تاریخ بغداد ۴۳۲/۱۰ و نیز الانساب ۱۰۲/۵، المنتظم ۲۷۹/۷، معجم البلدان
۴۲۶/۲.
(۱۲) «صنف كتاباً كبرى سائرة في البلاد» (طبقات الاسنوی ۴۷۷/۱) «حملت تصانیفه
الی بلاد المسلمین شرقاً و غرباً» (كتاب السیاق ۴۷، ۱).
(۱۳) العبر ۹۳/۳.
(۱۴) كشف الظنون ۱۰۴۷.
(۱۵) همان ۱۵۶۹.
(۱۶) نك: بروكلمن ۲۰۰/۱ (ترجمه عربی ۸۴/۴)، سزگین ۶۷۰/۱.
(۱۷) كشف الظنون، ۵۱۴.
(۱۸) نسخه برلین شماره ۲۸۲۰، ورق ۸۳، و برای مشخصات این نسخه و نیز نسخه
تهذیب الاسرار محفوظ در برلین شماره ۲۸۱۹ (که مأخذ ارجاعات ماست در این
مقاله) نك: فهرست الوارت ۷۶/۳.
(۱۹) نسخه برلین ۲۸۱۹، ق ۳ ب.
(۲۰) مقاله آربری در مجله مدرسه مطالعات شرقیه (لندن ۱۹۲۸) ۳۴۵-۳۴۹/۹.
(۲۱) بروكلمن ذیل ۳۶۱/۱ (ترجمه عربی ۸۵-۸۴/۴)، سزگین ۶۷۰/۱ (ترجمه
عربی ۴۹۶/۲)، و نسخه‌ای که ما بدان مراجعه کرده‌ایم نسخه کتابخانه موزه
بریتانیاست به شماره Or. 6262 در ۲۵۸ ورقه.
(۲۲) قدیمترین اثر موجود در تعبیر رؤیا ظاهراً کتاب ابوسعید نصر بن یعقوب دینوری
(متوفی ۳۹۷) است (نك: بروكلمن ۲۸۲/۱، ترجمه عربی ۳۲۹/۴). انتساب بعض
رسائل به ابن سیرین (متوفی ۱۱۰) و بعضی قداً البته مورد شك است. نك:
دائرة المعارف اسلام (ط دوم) ماده ابن سیرین.
(۲۳) كشف الظنون، ۱۰۴۵.
(۲۴) بروكلمن ۳۶۲/۱ ذیل ۱۷/۱ (ترجمه عربی ۲۲۷/۶). كتاب نخست بار در سال
۱۳۲۰ هـ به اهتمام دائرة المعارف العثمانیه در حیدرآباد دکن به طبع رسیده است.
(۲۵) به دلیل روایت ابن خیر (فهرسه ۲۸۹).
(۲۶) در جوامع الحكایات عرفی، حکایتی به نقل از شرف النبی آمده است، نك: مقدمه
جوامع الحكایات از محمد نظام الدین ۸۶-۸۸.

شرف النبی هر چند از منابع درجه اول سیره و مغازی نیست و
از نظر احتوا بر روایات تاریخی اهمیتش بسیار نیست ولی شهرت
و رواج و مقبولیت آن اندک نبوده است. و نه تنها در مشرق، که در
مغرب جهان اسلام هم معروف بوده است. حسن ترتیب و تبویب و
خلو روایات از اسانید احتمالاً از موجبات آن پذیرش عام بوده و
کتاب می‌توانسته است دستمایه‌ای بوده باشد برای واعظان و
مذکران و قصاص. بهر تقدیر، کتاب شرف النبی در میان کتب سیره
به سبب قدمت و رواجش جایی خاص دارد و تاریخ تطوّر علم
سیره و نیز سیر عقیده مسلمین در حق پیامبر (صلعم) بدون
شناسایی آن ناقص خواهد بود.

- (۱) طبقات الشافعیة للاسنوی (بغداد ۱۹۷۰) ۴۷۷/۱، تبیین کذب المفتری، لابن
عساکر (دمشق، ۱۳۴۷ هـ) ۲۳۵، العبر فی خبر من غیر للذهبی (کویت، ۱۹۶۱)
۹۶/۳.
(۲) تاریخ نیشابور (تهران، ۱۳۳۹) ۹۵.
(۳) «سمع بالعراق بعد السبعین و الثلاثمائة» (الانساب ۱۰۲/۵).
(۴) شرف النبی، ص ۲۰۰.
(۵) التاريخ الیمینی (به هاشم الفتح الواهبی، قاهره ۱۲۸۶ هـ) م / ۱۲۷.
عبد الغافر فارسی (كتاب السیاق ۴۷) نیز به اجمال به خدمات او در آن سال قحطی
اشاره می‌کند.
(۶) منتخب کتاب السیاق، ۲۵، آ.
(۷) قس: قول محمد بن منور را در حق ابوسعید ابوالخیر: «شیخ ما (قد) مذهب شافعی
داشته است. و همچنین جمله مشایخ که بعد از شافعی بوده‌اند مذهب شافعی
داشته‌اند... و از مشایخ هر که پیش از شافعی بوده‌اند بر مذهب سلف و بر مذهب پیر
خویش بوده‌اند» (اسرار التوحید، تهران، ۱۳۳۲ هـ ش، ص ۲۰).
(۸) کتاب السیاق، ۱۴، آ.

و ما نطق عن الهمو